

Political Ideological Interpretation of the Iran-U.S. Conflict

Akbar Khajeh¹, Ebrahim Barzegar²

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (*Corresponding author*). khajehakbar1979@gmail.com

² Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. barzegar@atu.ac.ir

Abstract

The aim of the present research is to investigate the root of cognitive-political ideology of conflict between Iran and the U.S after the victory of the Islamic revolution. In this regard, the impact of some factors such as opposite political beliefs, different political mentality, and political culture of the elites on the formation of the conflict was investigated within the framework of an ideology. The main research question is, what is the nature of political-cognitive ideology of conflict between the Islamic Republic of Iran and the United States of America? The research is based on the hypothesis that on the part of Iranians, Satanism and arrogance are the historical negative mentality caused by hostile measures, and on the part of the United States, it is the loss of interests, allies, identity of the political system, problematology and etiology of the conflict. The theoretical framework of the discussion is based on the theory of Thomas Spriggins and the applied method is interpretivism. Analyzing the different foundational cognitive-political ideologies of Iran and the United States, explaining the conflict from Iran's perspective by analyzing the political ideologies of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei, and exploring the Iran-US conflict from the perspective of the United States, by analyzing the ideological principles and behavior based on the principles on the part of the two parties Democrats and Republicans in relation to Iran, as well as the administrations that have held power in the United States, are among the main issues of discussion in the research. The results indicated that conceptual, structural, and cognitive-political distinctions have made Iran and the U.S into two political structures with different mentality, and the solution to overcome the conflict pattern is to interpret the cognitive horizons of the two countries.

Keywords: Iran, U.S, Theory, Spragens, Foreign Relations, Political Relations, Foreign Policy.

Received: 2021-09-01 ; **Received in revised form:** 2022-05-25 ; **Accepted:** 2022-07-01 ; **Published online:** 2022-12-22

DOI: 10.22034/sm.2023.537947.1744

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تفسیر اندیشه شناختی سیاسی منازعه ایران و آمریکا

اکبر خواجه^۱، ابراهیم برزگر^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

khajehakbar1979@gmail.com

^۲ استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. barzegar@atu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ریشه‌های اندیشه شناختی سیاسی منازعه ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. در این راستا، تاثیر عواملی مانند باورهای سیاسی متضاد، ذهنیت سیاسی متفاوت و فرهنگ سیاسی نخبگان در شکل‌گیری منازعه، در قالب اندیشه‌ای واکاوی شده است. سوال اصلی پژوهش این است که ماهیت اندیشه شناختی سیاسی منازعه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در چیست؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که از سوی ایرانیان، شیطان‌پنداری و استکبارورزی، ذهنیت منفی تاریخی ناشی از اقدامات خصمانه و از سوی ایالات متحده آمریکا، از دست دادن منافع، متحدان، هویت نظام سیاسی، مشکل‌شناسی و دلیل‌شناسی منازعه را تشکیل می‌دهد. چارچوب نظری بحث، براساس نظریه توماس اسپرینگز طراحی شده است و روش بکار گرفته شده در تبیین موضوع، تفسیرگرایی است. خوانش بنیادهای متفاوت اندیشه شناختی سیاسی ایران و آمریکا، تبیین منازعه از منظر ایران با واکاوی اندیشه سیاسی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای و واکاوی منازعه ایران و آمریکا از منظر آمریکا، با خوانش اصول اندیشه‌ای و رفتار مبتنی بر آن اصول از جانب دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه نسبت به ایران و همچنین دولت‌هایی که در آمریکا قدرت را به دست گرفته‌اند، از جمله مباحث اصلی مورد بحث در این پژوهش هستند. نتایج نشان داد که تمایزات مفهومی، ساختاری و اندیشه شناختی سیاسی، از ایران و آمریکا دو ساختار سیاسی، با ذهنیت متفاوت ساخته، که راه‌حل عبور از الگوی منازعه، تفسیر افق‌های شناختی دو کشور است.

واژه‌های کلیدی: ایران، آمریکا، نظریه، اسپرینگز، روابط خارجی، روابط سیاسی، سیاست خارجی.

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری اکبر خواجه، با عنوان: «تفسیر اندیشه شناختی سیاسی منازعه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، ارائه شده در گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2023.537947.1744

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

منازعه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده از چند منظر بررسی شده و هر منظر توسط گروهی مورد تأیید قرار گرفته است:

• گروهی انگاره‌های تاریخی را مد نظر قرار داده‌اند؛ نمونه عقاید این گروه را می‌توان در کتاب «ایران و آمریکا، تاریخ یک رابطه» تألیف جان قزوینیان^۱ مشاهده کرد؛

• بعضی اسلام سیاسی در ایران را سنگ بنای منازعه دانسته‌اند، به طور مثال فوازی جرجیس^۲ در کتاب «آمریکا و اسلام سیاسی» به این مسئله پرداخته است؛

• عده‌ای دیگر، نقش ایران در محیط سیاسی، امنیتی و فرهنگی منطقه را دلیل منازعه فرض کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، حسن خداوردی در کتاب «ایران و آمریکا» این موضوع را بررسی نموده است.

پژوهش حاضر ضمن در نظر داشتن همه موارد فوق، در نظر دارد، مبنای منازعه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا را، در مبنای متفاوت اندیشه سیاسی حاکم بر دو کشور جستجو نماید.

با این شرایط، سؤال اصلی و مهمی که این پژوهش بر مبنای آن طراحی شده، عبارت است از:

ماهیت اندیشه شناختی سیاسی منازعه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده چیست؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است، در چارچوب نظریه اسپرگنز^۳، چهار پرسش فرعی دیگر به شرح زیر، طرح شود تا پاسخ پرسش نخست به دست آید:

(۱) مبنای مشکل منازعه ایران و آمریکا چیست؟

(۲) برای این مشکل چه علت‌هایی را باید شناخت؟

(۳) رابطه آرمانی ایران و آمریکا چه ویژگی‌هایی دارد؟

(۴) ایران و آمریکا، برای رسیدن به آن رابطه، چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنند؟

فرضیه اصلی: از سوی ایرانیان، شیطان‌پنداری و استکبارورزی، قانون اساسی، ذهنیت منفی تاریخی ناشی از اقدامات خصمانه آمریکا و از سوی ایالات متحده آمریکا، از دست دادن منافع، متحدان، هویت نظام سیاسی، مشکل‌شناسی و دلیل‌شناسی منازعه را تشکیل می‌دهد.

1. John Ghazvinian

2. Fawaz Gerges

3. Spragens

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی پیرامون رابطه ایران و آمریکا انجام شده است، این پژوهش‌ها بیشتر با تمرکز بر موضوعات رخ داده در روابط بین آمریکا و ایران، نگاشته شده‌اند، به عنوان مثال:

در کتاب «ایران و آمریکا، تاریخ یک رابطه» اثر جان قزوینیان (۱۴۰۰)، تاریخ دو کشور از سیصد سال پیش تا به امروز مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که برای چند قرن، بیشتر از آنکه دولت‌مردان دو کشور روابطی در سطح عالی با همدیگر داشته باشند، مردمان دو کشور با دیده تحسین به هم نگرسته‌اند. این کتاب که ۴ فصل و ۲۶ بخش دارد، بر ترکیب تاریخ و سیاست متمرکز بوده و بیشتر درباره روزهایی است که در نوشته‌های مطبوعاتی آمریکا، امپراطوری پرشیا با عظمت یاد می‌شد و طبیعی است که انقلاب اسلامی، این فرصت را از هر دو کشور گرفت که بتوانند با همان ادبیات سابق با یکدیگر گفتگو نمایند.

موسویان (۱۴۰۰) در کتاب «ایران و آمریکا»، ضمن آسیب‌شناسی دقیق ماهیت دشمنی ایران و آمریکا، به روایت شفاف رویدادهایی پرداخته است، که جایی گفته نشده‌اند یا اشاره‌ای جزئی به آن‌ها شده است. نکته تمرکز این کتاب ظاهراً این است که نشان دهد، شخص هاشمی رفسنجانی، تلاش دارد یک تنه، راهی برای گفتگو بین ایران و آمریکا ایجاد نماید؛ اما هر چه بیشتر تلاش می‌کند، کم‌تر نتیجه می‌گیرد.

خداوردی (۱۳۸۸) در کتاب «روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی»، این بحث را مطرح می‌نماید که ایالات متحده برای دفاع از منافع خود در منطقه خلیج فارس توسط نیروهای ایرانی، بیشترین میزان و پیشرفته‌ترین نوع تجهیزات را در اختیار شاه قرار داد؛ اما انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی، نه غربی، منافع آمریکا در منطقه را نپذیرفت. پس آمریکا با رویکرد مبتنی با همکاری، با میانه‌روهای حاضر در قدرت بعد از انقلاب تلاش کرد، تا در جریان فرایند سیاست‌گذاری‌های انقلابیون باشد؛ تسخیر سفارت آمریکا، نتیجه‌اش ناامیدی کامل آمریکا از انقلاب اسلامی در ایران، برای حفظ منافع‌اش بود.

صلاحی (۱۳۹۹) در کتاب «ایران و آمریکا در چهل سال ۱۳۵۷-۱۳۹۷» به بررسی اسناد بالا دستی دو نظام جمهوری اسلامی و ایالات متحده توجه داشته است. وی معتقد است، تبدیل ایران به یک قدرت بین‌المللی، ساخت تمدن نوین اسلامی و تشکیل قطب قدرت مخالف نظام سلطه در عرصه بین‌الملل با هدف اصلاح ساختار حاکم بر سیاست جهانی، از خواست‌های اصلی انقلاب اسلامی ایران است. در نتیجه، تمام تلاش آمریکا این است که از تبدیل شدن ایران اسلامی به هژمون منطقه‌ای جلوگیری کند؛ پس برای موفقیت در این زمینه، مهار ایران، مبنای تمام سیاست‌گذاری‌های این کشور است.

آزادی (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان «ایران و آمریکا: مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در فرایند تقابل با ایالات متحده آمریکا»، نگاهی انتقادی به سیاست‌ها و اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران داشته و تلاش نموده است تا تحلیل جامعی که به نوشته خودش فراتر از صرف توصیف باشد، انجام دهد. این نویسنده با تمرکز بر روان‌شناسی سیاسی افراد تأثیرگذار در ساختار سیاسی ایران معتقد است، اگر این افراد که بعضاً متضاد با جریانات همسو با رهبری نظام ابراز عقیده دارند، اصلاح نشوند، بهترین گزینه برای بهره‌برداری دشمنان و به ویژه آمریکا خواهند شد.

بیات و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین ماهیت تصویر افکار عمومی آمریکا از ایران بر مبنای نظریه تصویر در روابط بین‌الملل» نشان داده‌اند، که برای داشتن تصویر جامع از یک جامعه درباره کشوری دیگر، باید افکار عمومی را از ابعاد مشخصی مورد بررسی قرار داد و صرفاً نظرسنجی فهم حداقلی از دیدگاه‌های مردم یک کشور درباره یک موضوع را به دست می‌دهد. این پژوهش نشان می‌دهد که افکار عمومی آمریکائیان به واسطه تصویری که از ایران برای آنها ساخته شده است، تصور تهدیدآمیزی از ایران دارند.

خسروی (۱۳۹۷)، در مقاله «رابطه متقابل هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن»، درصد پاسخ به این سؤال است، که چرا مقامات جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را به عنوان دشمن اصلی خود محسوب کردند؟ و با وجود توجیحات و دلایل فراوانی که از جانب نخبگان و گروه‌های سیاسی داخلی در دوره‌های گوناگون مطرح شده است، اما مقامات جمهوری اسلامی حاضر نیستند درباره برقراری رابطه با آمریکا بازتعریفی در افکارشان داشته باشند.

رضایی و جعفری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «هرمنوتیک‌های بخشی، راه برون‌رفت از منازعات ایران و غرب در عصر جهانی شدن» به این پرسش پاسخ داده است، که جمهوری اسلامی ایران و غرب در عصر جهانی شدن بر اساس چه نگرشی می‌توانند به همکاری و تعامل مطلوب دست یابند؟ وی با برجسته نمودن نقش جمهوری اسلامی در شالوده‌شکنی از گفتمان غربگرای حاکم بر ایران، اولاً، توانست رژیم پهلوی را ساقط نماید و با ارائه الگوی‌های بخشی، به صورت پادگفتمان هنجارهای نظام و تمدن غربی درآمد. سپس با استفاده از هرمنوتیک‌های بخشی که هابرماس^۱ بر مبنای گفتگو و کنش و عقلانیت ارتباطی پایه‌گذاری

1. Habermas

نموده است، به زمینه‌های ممکن گفتگوی ایران و غرب توجه نشان می‌دهد. آنچه پژوهش حاضر را از آثار پیشین متمایز می‌سازد، نخست در به کارگیری نظریه اسپریگنز در فهم اندیشه شناختی سیاسی منازعه ایران و آمریکاست و دوم، در میان بسیار آثاری که درباره منازعه ایران و آمریکا نوشته شده، تبیین اندیشه شناختی سیاسی این موضوع است، زیرا با اینکه این موضوع، مبنای ترین علت منازعه هم است، کم‌تر و اندک مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ سوم اینکه آمریکا با تلاش برای ایجاد ناامنی اقتصادی درون کشور، تلاش دارد تا اذهان عمومی را از ماهیت اندیشه‌های انقلاب اسلامی دور نماید و موفقیت و عدم موفقیت انقلاب اسلامی را به مسائل اقتصادی گره بزند، که اگر نتواند رفاه اقتصادی برای مردم فراهم نماید، اصول تفکرات انقلاب را ناکارآمد جلوه دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

اهمیت روش‌شناسی در این است که، نظام دانایی در هر زمانی، جز از طریق روش‌شناسی حاکم بر مطالعات آن دوره شناخته نمی‌شود (حقیقت، ۱۳۸۷: ص ۳۷). تفسیرگرایی، رویکرد روش‌شناسانه کاملاً متفاوتی در مطالعات سیاسی دارد و بر وجوه تعاملی جامعه جهانی تأکید بیشتری دارد (بری بوزان، ۱۳۸۹: ص ۳۹). در مقابل روش‌شناسی سنتی، که سیاست جهانی را بر مبنای وجوه متفاوت و متعدد قدرت مطالعه می‌کند، تفسیرگرایی توانست، مشکلات موجود در رویکرد سنتی و حتی رفتارگرایی را اصلاح کند. تفسیرگرایی، همچنین برای فهم، نقطه شروعی را پیش‌فرض در نظر نمی‌گیرد؛ زیرا هیچ فهمی بر خودش بنا نمی‌شود؛ بلکه هر فهم، از فهم دیگری که برایش حالت پیشینی دارد، بهره‌مند می‌گردد (منوچهری، ۱۳۸۷: ص ۵۸). وجه تعاملی و عدم اتکاء به نقطه شروع برای فهم که در روش‌شناسی تفسیری وجود دارد، باعث شد تا روش تفسیری برای این نوشتار در نظر گرفته شود.

۳-۱. چارچوب نظری: نظریه اسپریگنز

اسپریگنز، اندیشه سیاسی را به‌مثابه امری ذهنی، که در مقام امر واقع بررسی می‌کند، در نظر نمی‌گیرد (علوی پور، ۱۳۹۷: ص ۷)؛ در نتیجه تأکید می‌کند که «پژوهشگر از جایی شروع می‌کند که متفکر خود آغاز کرده است (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ص ۳۸). وی در کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی» روش جستاری را ارائه کرده، که ابزار تفکر منطقی درباره مسائل سیاسی و متفکران سیاسی است. وی مدعی است، که اندیشمندان سیاسی هر دوران، به شدت واقع‌گرا هستند و اندیشه سیاسی آنان در پاسخ به مشکلات سیاسی محیط آنان است. بر

این اساس، نظریه‌های سیاسی صرفاً یک تفریح علمی نیست؛ بلکه عمیقاً به موضوعات عملی و روزمره سیاست مربوط است. تلاش آنها بر این است که تصویری جامع و درکی نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند. از این رو مسائل و مشکلات، نقطه آغاز نظریه‌های سیاسی است (برزگر، ۱۳۸۹: ص ۴۸).

در نظر اسپریگنز، هدف نظریه‌های سیاسی این است که، بازی کاملاً جدیدی را به ما بشناساند؛ هنر بزرگ نیز در این بازی، ارائه روشی است که با آن، دو هنجار «هست‌ها» و «باید باشد»، اگر نه با «منطق» دست کم به‌طور طبیعی تلفیق شوند (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ص ۳۲). در ادامه منازعه ایران و آمریکا بر اساس مراحل چهارگانه روش اسپریگنز بررسی می‌شود.

۳-۲. مشکل‌شناسی

اسپریگنز تأکید دارد بر اینکه، متفکر سیاسی بعد از رویارو شدن با بحران، ابتدا به چرانی بروز بحران می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که «اگر اوضاع نا مرتب است، دلایل آن چیست؟». سپس به این پرسش می‌پردازد، که «اوضاع سیاسی مرتب چه خصوصیتی دارد؟» (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ص ۸۰). در نگاه وی، این مرحله تشخیص درد نام دارد. بر این مبنا، در پژوهش حاضر نیز در ابتدا به بررسی تمایزات مفهومی به‌عنوان زیرساخت‌های بنیادین اندیشه سیاسی بین ایران و آمریکا توجه می‌شود.

۴. تمایزات مفهومی

اصلی‌ترین مشکل در ریشه‌یابی منازعه ایران و آمریکا، تمایزات مفهومی متفاوت در ساختار اندیشه شناختی سیاسی دو کشور است. مثلاً مفهوم «ولایت» در عرصه سیاست‌ورزی اسلامی جایگاه مبنایی دارد. امام خمینی با تبیین این مفهوم در دوره غیبت امام عصر (عج) مفهوم ولایت فقیه را تئوریزه نمودند. امام خمینی در کتاب «ولایت فقیه»، تفسیرهای سنتی را از نقش علما در زمان غیبت کبرای امام غایب مورد نقد قرار می‌دهند و خواستار نقش فعال فقها در سیاست، به‌عنوان رهبری جامعه اسلامی تا ظهور امام غائب می‌شوند (کمالی، ۱۳۸۱: ص ۳۰). این تفاوت بنیادین نظام اندیشه‌ای جمهوری اسلامی، با نظام لیبرال دموکراسی حاکم در آمریکا است.

دومین تمایز مفهومی که در اندیشه سیاسی ایران با توجه به انقلاب اسلامی در ارتباط با آمریکا جلوه‌گر شد، مفهوم «اندیشه مقاومت» بود. امام خمینی معتقد بود، که در مقابل غرب، غرب را عقبش بزنند (غرب را وادار به عقب‌نشینی بنمایید) (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۳۸۴). آیت‌الله خامنه‌ای در سی‌امین سالروز

رحلت امام خمینی فرمودند: مقاومت هزینه دارد، اما هزینه سازش و تسلیم، از هزینه مقاومت، به مراتب بیشتر است و وعده الهی در قرآن هم این است، که طرفداران حق، ممکن است قربانی بدهند، اما پیروز نهایی اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴). هرچند آمریکا تمام تلاشش را بر این مسئله متمرکز کرده و عدم رابطه ایران با آمریکا، باعث نابسامانی‌های گوناگون در جامعه ایران شده است؛ اما مقام معظم رهبری با اشاره صریح به اینکه مقاومت در برابر آمریکا، حتماً هزینه‌های اضافی برای زندگی روزمره مردم ایجاد می‌کند، اما این هزینه‌ها، در صورت تسلیم ملت ایران به ارزش‌های آمریکایی بیشتر خواهد شد و نمود عینی آن دور از شدن از نصرت الهی وعده شده در قرآن است، که با مباحث مادی اصلاً قابل قیاس نیست، جامعه را به مقاومت بیشتر در مقابل آمریکا و فشار غرب دعوت می‌کند.

سومین تمایز مفهومی‌ای که شناسایی شد، سیاست همیشگی آمریکا در مقابل ایران است. آمریکا تقریباً در تمام مسائل فیمابین با ایران، از سیاست «تحریم» بهره برده است؛ اما جمهوری اسلامی، توانست در برابر سیاست تحریم آمریکایی، از مفهوم «تعامل سازنده» بهره برد. امام خمینی در کتاب «کشف الاسرار» می‌نویسند: ... «از تمامی مظاهر مثبت تمدن بشری در حوزه اندیشه و تجربه بهره‌مند شوند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ص ۳۱۳). بر این اساس امام خمینی بر آن است تا رفتار منفی دشمن، برای دولت اسلامی دلیلی برای افزایش قدرت شود. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی از «نرمش قهرمانانه» صحبت داشتند: «ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد، نرمش قهرمانانه» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۷). بهره‌مند شدن از تجربه غرب در برداشتن موانع توسعه، موضوعی است که همواره امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بدان تأکید داشته‌اند.

چهارمین تمایز مفهومی ایجاد شده، چالش جمع بین دو مفهوم «ملت» و «امت» است. از اواخر سده ۱۹ میلادی، موج گسترش الگوی اروپایی دولت (گل محمدی، ۱۳۹۲: ص ۱۹۸) شروع شد و کشورهای اسلامی با کسب استقلال و تفکیک از یکدیگر، به قوانین اساسی جدید به شکل غربی روی آوردند (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ص ۴۸). امام خمینی در «صحیفه نور» به طور آشکار، محدود بودن انقلاب اسلامی به مرزهای ایران را نفی کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۲۷۶). «مکرر عرض می‌کنم این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۴۰۳). حتی علامه نائینی هم «حقیقت سلطنت اسلامی» را «ولایت بر سیاست امه» به نص کلام مجید الهی - عز اسمه - و سیره مقدسه نبویه (ص)

دانسته‌اند، که تا زمان استیلاي معاويه محفوظ بود (نائینی، ۱۳۸۲: ص ۸۳). لازم به ذکر است، که مفهوم ملت و امت در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی مانعه الجمع نیست؛ اما اعتقاد به یاریگری امت اسلامی از جانب ملت مسلمان ایران، چالش‌های زیادی را در سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب آسیا ایجاد نموده است.

پنجمین تمایز مفهومی قابل ذکر، به مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی اسلام باز می‌گردد؛ که می‌توان آن را ذیل مفهوم «بصیرت» معنا کرد. قدرت در مفهوم غربی‌اش، به بهترین وجه ممکن در کتاب «آی‌شمن در اورشلیم»^۱ تألیف «هانا آرنت»،^۲ تبیین شده است. آرنت معتقد است، که کوشش دادستان، برای نشان دادن این که آی‌شمن یک هیولا و دگرآزار باشد، از بنیاد غلط است. او یک بوروکرات بی‌استعداد است که به راحتی پشت میز می‌نشیند و کارش را انجام می‌دهد (میلگرام، ۱۳۸۱: ص ۲۲). در این دیدگاه انسان حکم ماشین را اجرا دارد؛ یعنی آنچه به او دیکته می‌شود را انجام می‌دهد. اما در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، که به نوعی ریشه در مبانی اندیشه سیاسی اسلامی دارد، مفهوم «بصیرت» وجود دارد. بدین معنا که کنش‌گر سیاسی یک موجود منفعل و مطیع محض نیست؛ بلکه به کنش‌گر سیاسی چارچوبی می‌بخشد که بتواند، حق را از ناحق تشخیص دهد و بر آن مبنا عمل نماید. ایشان می‌فرمایند: «حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۸/۱۲). مفهوم حقیقت، بنیادی‌ترین تفاوت در اندیشه سیاسی غرب با اسلام را در گرایش شیعی دارا است؛ زیرا در اندیشه سیاسی تشیع، اطاعت همراه با معرفت الهی عامل سعادت است و صرف اطاعت، خسران‌های جبران‌ناپذیری دارد. از منظر دیگر، بصیرت مانع نفوذ است و نفوذ در کلام رهبر معظم انقلاب؛ یعنی «کاری کنند، که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله، که یک آمریکائی نگاه می‌کند» (گوهری مقدم و کیانی مجاهد، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶).

با این شرایط، مشکل از جایی آغاز شد، که طرز تفکر رایج در جمهوری اسلامی، با وقوع انقلاب اسلامی، بر این اساس تعریف شد، که می‌توان از تکنولوژی غرب بهره برد، اما مقاصد سیاسی و اعتقادی غرب را نپذیرفت. پاسخ غرب در مقابل جمهوری اسلامی این بود، که غرب، یک سیستم یک پارچه است و

1. Eichmann in Jerusalem

2. Hannah Arendt

ایران نمی‌تواند با بخشی از آن ارتباط برقرار کند و با بخشی دیگر مبارزه سیاسی و اعتقادی داشته باشد (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ص ۶۰۷).

۵. دلیل‌شناسی ایجاد مشکل از منظر ایران و آمریکا

در این مرحله، اسپریگنز تأکید دارد، داوری کار ساده‌ای نیست و با توجه به درهم تنیدگی بنیادین فرد و اجتماع، این امکان وجود دارد که ایجاد مشکل یا در زمینه‌های فردی باشد، یا در عرصه عمومی؛ چرا که علت سیاسی، علتی عمومی است نه فردی؛ «قراردادی» هست و نه «طبیعی» (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ص ۸۱). با توجه به این سخن، در این مرحله، به دلیل‌شناسی منازعه ایران و آمریکا از منظر هر کشور، به صورت جداگانه پرداخته می‌شود.

۱-۵. دلیل‌شناسی منازعه از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران

منازعه اندیشه شناختی سیاسی نظام جمهوری اسلامی با آمریکا، در این مسائل قابلیت دسته‌بندی دارد:

- ماهیت قدرت بر اساس عقیده و ریشه در تاریخ انقلاب اسلامی دارد (دهشیری، ۱۳۸۵)؛
- به نفی سبیل براساس عقیده عمل می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۲)؛
- زیر نفوذ قدرت‌های بزرگ نرفتن یک اصل است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛
- مقاومت در برابر اسرائیل عقیده است، در جهان اسلام این یک عقیده با باورپذیری عام است، که یک‌طرف منازعه جهان اسلام با اسرائیل حتماً آمریکا است (Rashid Khan, 2003: p.61)؛
- دفاع از حقوق مسلمانان یک اصل و عقیده است.

ابراهیم برزگر در مقاله «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام» مطرح می‌سازد، که اندیشه سیاسی در اسلام، نسبتی با دین اسلام و پیش نیازی به نام دین و اسلام است (برزگر، ۱۳۸۹: ص ۴۵). همین نکته کفایت می‌کند که بدانیم، از حیث اندیشه شناختی سیاسی، مشکل جمهوری اسلامی با آمریکا، تا اندازه زیادی ریشه در ساختارهای متفاوت اندیشه شناختی سیاسی آن‌ها دارد.

۲-۵. دلیل‌شناسی منازعه ایران و آمریکا از منظر امام خمینی

برای ورود به این مبحث، ابتدا لازم است، تا پیوند دین و سیاست، به عنوان مبنای اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی تبیین گردد. به همین منظور، امام خمینی، آمریکا را به عنوان نماد «استکبار» معرفی نموده و لذا، در نگاه امام خمینی، مبارزه با استکبار تعطیل بردار نیست و ایشان معتقد بودند: «ما می‌خواهیم چه کنیم؛

روابط داشته باشیم با آنهایی که می‌خواهند ما را بچاپند؟ رابطه ما با آنها غیر از این است که رابطه چپاولگر و چپاول بشو است؟ برای چه ما می‌خواهیم این را؟» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۲، ص ۳۷۹). بر اساس تعالیم اسلامی امام، همان‌طور که در مقابل استکبار باید ایستادگی نمود و هرگونه راه سلطه‌گری را بست، براساس همان تعالیم اسلامی، ایشان معتقدند: قطع رابطه با دولت‌ها بر خلاف عقل و شرع است. ما باید با همه رابطه داشته باشیم... اما اگر کشورها و دولت‌ها بخواهند، به ما تحمیلی نکنند، از آنها قبول نخواهیم کرد (کریمی، ۱۳۸۳: ص ۷۰۹).

چند دلیل بنیادی در جریان مشکل‌شناسی از طرف حضرت امام مطرح شده است؛ اولاً، غرب با مؤلفه‌های قدرتش، جامعه ایران را ترسانده است. دوم، اینکه جامعه ترسیده، از دایره ابتکار و اندیشیدن به راه‌حل خروج از این بحران طفره می‌رود و این چنین جامعه‌ای روز به روز وابسته‌تر و عقب مانده‌تر می‌شود، و این عقب‌ماندگی به نظر امام خمینی «انحطاط فکری و اعتقادی مسلمین» (عارفی، ۱۳۷۸: ص ۷۸) را در پی دارد. این جاست که باید ببینیم، راه‌حل امام خمینی برای مواجهه با این مشکل در جامعه ترسیده ایرانی چیست.

برای این منظور و مقابله با آمریکا در ایران، امام خمینی یک فرایند سه مرحله‌ای را، طراحی نمودند، که احیای اسلام، گام نخست آن، ایجاد حکومت اسلامی، گام دوم آن و مقابله با شیطان بزرگ، سومین مرحله‌اش بود.

پس اولین راه‌حل برای خروج از مشکل، معرفی اصالت اندیشه‌های سیاسی اسلام، برای مسئله حکومت است و با توجه به اینکه، نمونه رهبری ایده‌آل، در حکومت اسلامی وجود دارد، مواجهه با این نمونه‌ها، ذهن دانشجویان را درگیر حقایق خواهد ساخت و وقتی ذهن درگیر حقیقت شد، نیاندیشیدن بدان، مشکل‌تر از اندیشیدن پیرامون آن می‌شود.

دومین راه‌حل ارائه شده در اندیشه‌های امام خمینی، به وجود آوردن حکومت اسلامی است، امام خمینی «لزوم یک انقلاب تام سیاسی» را علیه قدرت و نظم مستقر صادر کردند، و در یک دعوت عمومی، این قیام را، تکلیفی دینی برای همگان ذکر کردند و آنها را برای تحقق این آرمان فرا خواندند. در نهایت نیز برای حل مشکل استعمار آمریکائی در ایران، سرنگونی رژیم پهلوی خود یک مسئله شد (بهارى اودلو و بخشی شیخ احمد، ۱۳۹۲: ص ۳۱۸-۳۲۰).

گام نهایی خطاب کردن آمریکا به عنوان شیطان بزرگ است، این مهم، در نخستین سخنرانی امام پس از اشغال سفارت آمریکا رخ داد و امام، آمریکا را «شیطان بزرگ» نامیدند و به سفارت آن در تهران لقب «لانه

جاسوسی» داد. با این مفهوم‌سازی بسیار هوشمندانه امام خمینی بود، که دیگر جامعه ترسیده و مقهور قدرت آمریکا شده، همان‌طور که می‌توانست با تمسک به اسلام، با شیطان درون خودش مبارزه کند، با شیطان بزرگ بیرونی هم حتماً توان مبارزه داشت. بنابراین، آمریکاستیزی یکی از گفتمان‌های حاکم بر دولت و جامعه ایران شد (جعفری موحد، ۱۳۹۴: ص ۱۱۸).

۳-۵. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران و منازعه با آمریکا

آیت‌الله خامنه‌ای مبنای رفتار سیاسی خود را در ادامه مسیری تعریف نموده که امام خمینی بنیادگذاری نموده‌اند و این‌گونه پیرامون آن اظهار نظر داشته‌اند: یکی از اساسی‌ترین قلم‌هایی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطاء کرد، احساس عزت بود، آن روزی که امام علناً فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام، احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب، احساس عزت را به ملت ایران برگرداند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

دومین مسئله اساسی در دیدگاه رهبری، جمهوری اسلامی است که بدون اندیشه‌ورزی پیرامون عوامل بالندگی و شناخت عوامل تهدیدزای آن، نمی‌توان به آینده برای نهادینه شدن احکام الهی امیدوار بود، پس: ایشان جمهوری اسلامی را اینگونه تعریف می‌کند «جمهوری اسلامی یک «نقی» با خود دارد، یک «اثبات»؛ نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحی‌گری؛ اینها را جمهوری اسلامی نفی می‌کند. یک چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای به دست پیدا کردن بر قله‌های دانش» (علی‌میرادی و گروهی، ۱۳۹۳: ص ۳۵).

با ترکیب این دو عنصر، دیدگاه رهبری معظم درباره آمریکا به خوبی درک می‌شود، مشکل‌شناسی و دلیل‌شناسی منازعه جمهوری اسلامی ایران با آمریکا، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه‌ورزی سیاسی ایشان است و البته نکته مهم آن است که بدانیم، آمریکاستیزی رهبری، صرفاً یک موضوع تبلیغاتی و احساساتی نیست؛ بلکه مبنای عقلانی و همین‌طور اسلامی دارد. ایشان می‌فرمایند: «ما با آمریکا به عنوان یک مجموعه جغرافیایی یا به عنوان یک ملت، به عنوان یک مجموعه انسانی هیچ مسئله‌ای نداریم، آن‌ها هم مثل بقیه کشورها؛ مسئله ما با آمریکا، مسئله استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زور گویند، زیاده‌طلبند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۶). با این بیانات دلیل منازعه جمهوری اسلامی با آمریکا در

ماهیت سیاست آمریکا ریشه دارد؛ زیرا آمریکا:

- کارگزار شبکه خطرناک و خبیث صهیونیسم بین‌الملل است (دوست محمدی و رجبی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۱)؛
- عامل اغلب جنگ‌ها در منطقه و جهان است (کریمی فیروزجایی و حبیبی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۲)؛
- به تعبیر امام خمینی، «شیطان بزرگ» و «شیطان اکبر» است (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ص ۴۸۹).

با این شرایط، رهبری معظم انقلاب، نظم موجود جهانی را، نظمی مبتنی بر گزاره‌های لیبرالیستی می‌داند: نظمی که مبتنی بر نگرش سرمایه‌سالار و قدرت محور بوده، که این مسئله، زمینه را برای بروز خشونت و ناآرامی‌های بین‌المللی و اعمال سلطه و نیز تعمیق وابستگی میان کشورهای پیشرفته و در حال رشد فراهم می‌نماید. آیت‌الله خامنه‌ای، نظم لیبرال را سلطه آمیز دانسته و نظام‌های سیاسی مبتنی بر آن را، عامل همه بدبختی‌های ملت‌ها و انسان‌ها در سراسر عالم می‌داند (عباسی تبار قوی و هاشمی میار کلایی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۳).

راه‌حل مواجهه با مشکل آمریکا، در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، در مواجهه فعالانه در برابر آمریکا تعریف می‌شود و مواجهه فعالانه را این‌گونه تعریف نموده‌اند: یعنی یک نظام سیاسی با در نظر داشتن توانمندی‌های نظامی و سیاسی و با استفاده از منعطف‌ترین شیوه‌ها، تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به فرصت تبدیل کند، تا از آن طریق، به امنیت و منافع ملی خود دست یابد (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۳۰). در این زمینه آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «یک بخش امنیت منطقه است. امروز منطقه ما منطقه ناامنی است. اولاً، به خاطر دخالت قدرت‌های سلطه‌گر است؛ دخالت آمریکا، دخالت صهیونیسم از هر وسیله‌ای برای نفوذ، استفاده می‌کنند. آنچه در منطقه بسیار مهم است، همین است که ملت‌های منطقه و دولت‌های منطقه ما احساس توانایی کنند و به کار بپردازند؛ آن وقت دشمن نفوذکننده، مجبور می‌شود عقب‌نشینی کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۶/۲۶).

در اندیشه مقام معظم رهبری، مذاکره جمهوری اسلامی با آمریکا، به معنای تسلیم در برابر باطل است و هیچ فایده‌ای هم ندارد. بهترین راه در برابر آمریکا، در شرایط فعلی، ایستادگی و مقاومت و تکیه بر توان داخلی است (ودادی و رسولی، ۱۳۹۸: ص ۱۶۰). بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، نشان‌دهنده این مسئله است که استکبار جهانی نسبت به اسلام و انقلاب، از اعماق وجودش کینه دارد و تا ملتی از اصول و دین خودش دست برندارد و تسلیم نشود، آن‌ها راضی نخواهند شد (جعفرزاده بهابادی و خلیلی، ۱۳۹۳: ص ۳۱). بر این اساس، یافتن دشمن امری دل‌خواهانه و تصادفی نیست و این مصادیق دشمن است که می‌تواند دل‌خواهانه و متغیر باشد

(خسروی، ۱۳۹۷: ص ۶۲).

۴-۵. دلیل‌شناسی منازعه از منظر ایالات متحده

از منظر آمریکا، تفسیر اندیشه شناختی منازعه این کشور با ایران، بر این مبنا استوار است که آن را تفاوت بین اندیشه غیردموکراتیک و اندیشه‌های مدرن می‌دانند. اندیشه غیردموکراتیک، در فرهنگ‌هایی هست که حاکی از تجارب‌اند. این فرهنگ‌ها از طریق ارجاع به گذشته معنا می‌یابند و بازاندیشی به باز تفسیر و توضیح سنت محدود می‌شود. به این ترتیب، در شهر مقدس قم در ایران، خطابه و منطق اسلامی تدریس می‌شود. از سوی دیگر، در جوامع متجدد، نظم نه تنها مستلزم نظم طبیعی، بلکه مستلزم «احتمال طبیعی» نیز هست (آکسفورد، ۱۳۸۳). بر این اساس، آنچه معمولاً نوسازی خوانده می‌شود، متضمن سنت‌زدایی از فرهنگ‌ها و برنشاندن نظم‌دهی سوژه به اقتضای طبیعی به جای نظم طبیعی است.

۵-۵. ایران نماد دموکراسی ضد لیبرال

در خصوص ایران این سؤال مطرح می‌شود، که چرایی منازعه آمریکا با ایران به بنیادهای اندیشه شناختی سیاسی در ایران برمی‌گردد. برای آمریکائیان، منازعه ایران و یونان دلیل و مدرک اصلی منازعه ایران و آمریکا است. اگر ایرانیان در جنگ ماراتن با یونانیان شکست نمی‌خوردند، چه اتفاقی رخ می‌داد؟ پاسخ چنین است: اگر ایرانیان در جنگ ماراتن بر یونانیان پیروز می‌شدند و تسلطی دائمی می‌یافتند، امکانات عینی برای مشی وقایع دیگری که می‌توان آنها را معین نمود، وجود پیدا می‌کرد. بدین ترتیب که از رشد جامعه دنیوی در یونان که عامل اصلی تکامل و رونق هنر، ادبیات و فلسفه پربار یونان بوده است، جلو می‌گرفت و با برقراری یک حکومت سیاسی-دینی که مانع رشد فکری است، امکانات شکوفا شدن فرهنگ و تمدن یونانی را از میان می‌برد، و این استنتاج به علت تجربیات تاریخی است که از تسلط ایرانیان بر اقوام و ملل دیگر به دست آمده است (اشرف، ۱۳۹۳: ص ۳۲۵).

فرید زکریا اما از جنبه دیگری به موضوع می‌نگرد: «اعدام سقراط دموکراتیک بود اما لیبرالی نبود» (زکریا، ۱۳۸۵: ص ۳۰). این اشاره دارد، به ماجرای اعدام سقراط که در یک دادگاه رسمی، شهروندان به واسطه حقوق و رفتار کاملاً قانونی، از سقراط به واسطه اینکه فرزندان‌شان را گمراه می‌کند، شکایت کردند؛ زیرا سقراط فرزندان‌شان را به خدای واحد دعوت می‌کرد، در حالی‌که در آتن، در معبد دلفی، برای خدایان متفاوت و متعدد جا وجود داشت، ولی برای خدای یگانه سقراط مکانی در نظر گرفته نشد؛ دلیل هم واضح بود، اگر

خدای سقراط مورد پذیرش واقع می‌شود، خدایان دیگر، بی‌معنا می‌شدند.

پس، شکایت علیه سقراط کاملاً قانونی بود. رفتار دادگاه هم کاملاً قانونی و دموکراتیک بود. سقراط ۲۴ ساعت از خود دفاع کرد. در پایان، هئیت منصفه دفاعیات او را قابل قبول ندانست، و دو حکم برای او صادر کرد، یا از آتن دور شود یا جام شوکران بنوشد. در آتن جلای وطن، حکم مرگ داشت. طرفداران سقراط، تمام تلاششان را انجام دادند که او جلای وطن را اختیار کند، یا پس از آنکه زندانی شد، فرار از زندان را برای وی مهیاء کردند، چون می‌گفتند، تاریخ ما را شماتت خواهد کرد اگر تو اعدام شوی. اما سقراط شوکران را نوشید. شاید روگردانی سقراط از سیاست هم ریشه در ماهیت آن داشت و سقراط افتخار داشت، که چون ندایی غیبی است که تعیین می‌کند چه انجام دهد و چه انجام ندهد و این ندا همیشه او را از سیاست برحذر داشته است و به «گمانم خوشا به حالم که از آن روگردانم» (برن، ۱۳۸۳: ص ۱۰۰). برای آمریکائیان، این اصل همیشه آماده است که اگر کشوری دموکراتیک باشد، اما اصول لیبرالیسم را نپذیرفته باشد، آتن خواهد شد؛ یعنی به مبارزه با آزادی خواهد پرداخت. جنگ‌های پیشگیرانه آنان نیز، ریشه در همین اندیشه دارد، که قبل از اینکه چنین اتفاقی رخ دهد، آمریکا به عنوان پاسدار ارزش‌های لیبرالی باید با آن منبع اندیشه دموکراتیک غیرلیبرالی، وارد منازعه شود و مانع قدرت‌گیری آن شود. این منازعه، ریشه در نوشته‌های ال‌ریش بک^۱ دارد، که معتقد بود، در دوران‌های پیشانو سرنوشت، جادو و مذهب، تبیین قابل قبولی برای بداقبالی و مصیبت به دست می‌داد؛ اما با سر برآوردن نوطرازی، این چارچوب‌ها کنار زده شدند و جای آنها را ایمان به «علم» و «پیشرفت» گرفت که پیام کنترل‌نهایی و حتی پشت سر نهادن تمامی مصیبت‌ها و خطرات است. این نکته باعث می‌شود تا ایالات متحده خود را درگیر انواع دیگری از جنگ‌ها بنماید که بک و زکریا آنها را جنگ‌های لیبرالی می‌نامند. این جنگ‌ها پیشگیرانه هستند و بر ضد دولت‌هایی است که در حال توسعه جنگ افزارهایی بالقوه فاجعه آفرین هستند. به اعتقاد آنان، آنچه محیط سیاسی بین‌المللی را در جریان سده بیست و یکم از نو تعریف می‌کند، همین روندهای بنیادی برای دگرگونی هم در معماری سیاسی سیاست جهانی و هم در فرهنگ جهانی است.

۵-۶. حزب دموکرات آمریکا و منازعه اندیشه شناختی با ایران

در اینجا قصد ورود به تاریخچه حزب دموکرات آمریکا را نداشته و تنها به این نکته بسنده می‌شود که اصول این جریان، در عرصه اندیشه شناختی سیاسی بر چه مؤلفه‌هایی استوار است. ریشه فکری حزب

دموکرات به تفکر لیبرالی برمی‌گردد که برای تبیین اصول خود، از دو ایده بدیل در حوزه فلسفه اخلاق بهره گرفته است: یکی مکتب اصالت فایده منسوب به بنتام و میل^۱؛ دومی مکتب اصالت وظیفه کانت. لیبرالیسم به عنوان مکتبی اخلاقی قائل به تقدم حق بر خیر است.

از آنجایی که لیبرالیسم، عقبه ریشه‌دارتری در حوزه اقتصاد دارد و از آنجا به عرصه سیاست پا گذارده، عناصری چون اصالت منفعت، اصالت رقابت و دولت محدود را نیز با خود به این ساحت آورده است. از مشخصات بالا، خصوصیتی چون حق محوری، نخبه‌گرایی و سکولاریسم نیز ناشی شده و لیبرالیسم را به نحو آشکارتری در برابر دموکراسی که بر مسئولیت‌پذیری و مردم‌گرایی تأکید دارد، نشانده است (شجاعی زند، ۱۳۹۴: ص ۱۲۱).

در سال‌های اخیر، واژه لیبرال معناهای دیگری را به خود گرفته است و محافظه‌کاران مروج این معانی و منتقد آن برای حزب دموکرات هستند؛ زیرا پایبندی دموکرات‌ها به آنچه را که لیبرالی می‌خوانند، به نوشته وایل^۲، نرمش در برابر کمونیسم به‌کار می‌برند و یا آن را صفت کسانی می‌دانند که بیش از حد، مدافع حقوق سیاهپوستان یا گروه‌های محروم دیگر بوده‌اند (وایل، ۱۳۸۴: ص ۹۹).

از حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی، این مبانی فکری با انتقاداتی رو به رشد، انتقاد آنها کل ساختار لیبرالیسم و نظریه‌های سیاسی آن را به باد انتقاد گرفت. ادعا این بود که نظریه‌های لیبرالی، بهای بیش از حدی برای «فرد» قائل‌اند و زیادی بر اهمیت آزادی فردی تأکید می‌کنند. در نظر آنها، نظریه لیبرالی نسبت به جایگاه «جماعت» و «اجتماع» در به بار نشستن استعدادهای آدمی بی‌توجه است (مجیدی و امید، ۱۳۹۷: ص ۱۰).

بنابر موارد فوق، حزب دموکرات در منازعه با جمهوری اسلامی ایران، کم‌تر تمایل به بهره‌گیری از چهره سخت قدرت دارد و بیشتر متمایل به آن است، تا از شیوه‌های نرم قدرت در برابر جمهوری اسلامی ظاهر شود. حتی اگر تحریمی را هم علیه جمهوری اسلامی وضع می‌نماید، آن را به نوعی تحریم دولت تبیین می‌کند، که نفع ملت را در پی خواهد داشت و بین دولت در ایران و ملت تفکیک قائل می‌شوند؛ اولی را برای آمریکا مزاحم و دومی را برای آمریکا مزاحم تعریف می‌کنند. تا حدود زیادی هم توانسته‌اند که در افکار عمومی در ایران، خود را موفق نشان دهند؛ زیرا با روی کار بودن رئیس جمهوری از حزب دموکرات

1. Bentham & Mill

2. While

در آمریکا، افکار عمومی به نسبت بیشتر حس آرامش در روابط دو کشور را انتظار دارد، به همین نسبت، جمهوری خواهان شرایط متفاوتی را دارند.

۵-۷. حزب جمهوری خواه و منازعه با جمهوری اسلامی ایران

فلسفه اجتماعی حزب جمهوری خواه، سنت‌گرایی است. حزب جمهوری خواه، معمولاً در گروه محافظه‌کاران تعریف می‌شود. هرچند این مسئله بدان معنا نیست، که بنیادهای سیاسی لیبرالیستی در حزب جمهوری خواه مورد قبول نیست؛ بلکه بحث در این است، که جمهوری خواهان بیشتر به لیبرالیسم کلاسیک گرایش دارند. حزب جمهوری خواه در بُعد اجتماعی، با اعتقاد به مطلق بودن اخلاق، با مسائلی همچون ازدواج همجنس‌گرایان و سقط جنین مخالفت می‌کنند و رعایت این مسائل را برای حفظ ارزش‌های سنتی و رستگاری کشور مهم می‌دانند. این حزب به خطراتی که ایالات متحده را از خارج تهدید می‌کند، بیشتر توجه نشان می‌دهد و بر امنیت مرزها و مهاجرت‌های غیر قانونی تمرکز می‌کند (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۹ بهمن ۱۳۹۴).

جمهوری خواهان پیرو فلسفه محافظه‌کاری هستند و در تغییرات صورت گرفته در مبانی اندیشه شناختی سیاسی حزب جمهوری خواه و ایجاد گرایش‌ها نئومحافظه‌کارانه در این حزب، بیش از همه، اندیشه‌های یک اندیشمند تأثیرگذار بوده، و آن کسی جز لئو اشتراوس^۱ نمی‌تواند باشد. با این توصیف، جمهوری اسلامی ایران برای هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در آمریکا، یک مسئله است؛ چراکه هم تعامل و هم تقابل با ایران برای آنها هزینه دارد. ایران در حال توسعه و خودکفایی در تسلیحات جنگی مانند موشک‌های بالستیک و سیستم‌های ناوبری و رادار پیشرفته است (طارمی، ۱۳۸۲: ص ۱۸۸). ایران با بهره‌گیری از قدرت نرمی که برخاسته از ماهیت انقلاب اسلامی است، در تمام حوزه‌های نفوذ آمریکا در منطقه غرب آسیا حضور دارد و حضور آمریکا را به چالش می‌کشد. حتی بهانه یازده سپتامبر و محاصره فیزیکی ایران از طریق اشغال نظامی افغانستان و عراق (فروزان و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۷۷)، هیچ دستاوردی برای آمریکا نداشت. از آن طرف، ایران از فرصت ایجاد شده توسط آمریکا، بیشترین بهره‌برداری را داشت. آنچه در راهپیمایی اربعین در عراق نمایش داده می‌شود، تبدیل به یک فرافرنگ شده است و ایران اگر می‌خواست این فرصت را برای خود ایجاد نماید، زمان نامشخصی باید انتظار سقوط صدام را می‌کشید.

در طول بیش از ۴۰ سال گذشته جمهوری اسلامی ایران، ۲۴ سال حاکمیت جمهوری خواهان (ریگان ۸

1. Leo Strauss

سال، بوش پدر ۴ سال، بوش پسر ۸ سال، ترامپ ۴ سال) و ۱۶ سال حاکمیت دموکرات‌ها (۸ سال کلینتون، ۸ سال اوباما) و اکنون هم جو بایدن مواجهه بوده و است. در تمام این سال‌ها، ایالات متحده برای ایرانیان «شیطان بزرگ» و ایران برای آمریکائی‌ها «محور شرارت» بوده است (وثوقی و محمدی، ۱۳۹۱: ص ۶۹). پس از این مرحله، اسپریگنز، از بازسازی صحبت می‌کند. چرا که نامنظم بودن اوضاع سیاسی ای که فرد در آن زیست می‌کند، خود دلیل کافی است، بر آنکه نظام مرتب و درست، می‌تواند به وجود بیاید.

۶. ترسیم شرایط مطلوب

در این مرحله، نظریه‌پرداز از نقطه مقابل بی‌نظمی موجود، برای یافتن تصویری از جامعه سیاسی نظم‌یافته عزیمت می‌کند و الگوی جامعه خوب را در ذهن مجسم می‌سازد (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ص ۱۳۰). در عرصه سیاست داخلی و هم در عرصه سیاست خارجی، ایران و آمریکا ترسیم‌کنندگان جامعه آرمانی هستند. ارزش‌های مشترک جهان شمولی مانند، عدالت، آزادی و رفع تبعیض و مقابله با تروریسم را پذیرفته‌اند و منادی اجرای آن هستند. هرچند این مفاهیم مشترک، به عنوان مبانی ترسیمی شرایط مطلوب و ایده‌های معناداری برای نزدیکی ایران و آمریکا تعریف می‌شوند، اما همان‌طور که نشان داده شد، به واسطه تمایزات مفهومی حاکم بر ساختار اندیشه‌ورزی دو کشور، حتی مفاهیم مشترک، نتوانسته‌اند، دو کشور را به هم نزدیک نمایند. زیرا این مفاهیم مشترک جهان‌شمول در منظر اسلام سیاسی تعریف متفاوتی از آنچه لیبرالیسم دارد، ارائه می‌دهد. پس شرایط مطلوب از منظر ایران و آمریکا برای عبور دو کشور از منازعه این است که:

۶-۱. از منظر ایران

آمریکا به ارزش‌های اسلامی که بعضی از این ارزش‌ها جهان‌شمول هم هستند، احترام بگذارد؛ ارزش‌هایی همچون وفای به عهد، داشتن معیار واحد برای تعریف حقوق بشر، حمایت از مظلوم، نفی ظلم.

۶-۲. از منظر آمریکا

ایران به ارزش‌های لیبرال دموکراسی که بعضی از این ارزش‌ها جهان‌شمول هستند، پایبند شود؛ ارزش‌های همچون تقدم لیبرالیسم بر دموکراسی. این مسائل زمینه‌ساز حرکت در گام در روش اسپریگنز چهارم است. به این مفهوم که باید متفکر بتواند، برای درد تشخیص داده شده، راه حل ارائه نماید.

۷. ارائه راه‌حل

در این مرحله اسپریگنز، از «راه درمان» سخن می‌گوید. اندیشمند سیاسی، راه‌حل ارائه شده‌اش را، برای

حل مشکل تجویز می‌کند و نشان می‌دهد، که اگر راه‌حل ارائه شده از سوی او، اجرا شود، مشکل حل می‌شود و نظم، جای بی‌نظمی را می‌گیرد.

با درک این موضوع باید مد نظر داشت که چرا ارائه راه حل برای عبور از وضعیت برای ایران و آمریکا بسیار پیچیده است، اما غیرممکن نیست.

۷-۱. راه‌حل منازعه ایران و آمریکا از منظر ایران

بررسی بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایران انتظار دارد، آمریکا در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی این اقدامات را انجام ندهد:

- دست از کوشش برای تغییر نظام اسلامی در ایران بردارد؛ تلاش‌های ناموفق آمریکا برای تغییر ساختار سیاسی در ایران مسئله پوشیده‌ای نیست. به نوشته «مایکل لدین»^۱ مشاور اسبق شورای امنیت ملی آمریکا در وال استریت ژورنال، «حمایت از مخالفان حکومت ایران بهترین مسیری است که منجر به سرنگونی و تحقیر رژیم می‌شود» (رحمتی، ۱۳۹۵/۰۱/۱۶).

- از دیکتاتوری رسانه‌ای در اختیار غرب، صرفاً برای مخدوش نمودن دستاوردهای انقلاب اسلامی استفاده نکند. آنان پیشرفت‌ها، حقایق و نقاط مثبت انقلاب را کاملاً کتمان، و نقاط ضعف را صدها برابر بزرگ‌نمایی می‌کنند. بنابراین، طبق سخن رهبری، در مقابل این تهاجم رسانه‌ای، جهاد تبیین، یک فریضه قطعی و فوری است (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).

- دشمنی با اسلام را از رفتار و گفتارشان حذف نمایند؛ «نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است، که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند، به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی الهی‌مان نمی‌شناسند» (آقامهدوی، ۱۳۹۱: ص ۹۹).

- آمریکا تا وقتی تغییر رفتار ندهد، شیطان بزرگ است. «ما هم که اسم آمریکا را بارها می‌آوریم؛ ملت ما، خود ما؛ [چون] مسئله آمریکا به خاطر استکبار است، چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۶).

۷-۲. راه‌حل‌شناسی منازعه ایران و آمریکا از منظر آمریکا

آمریکا انتظار دارد، ایران:

- از گسترش ایدئولوژی انقلابی دست بردارد؛ آنان معتقدند، زبان انقلابی ایران خطرناک است، چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد (جرجیس، ۱۳۸۲: ص ۲۵)؛
- از اعتقاد به حذف اسرائیل از نقشه سیاسی جهان کوتاه بیاید؛ اما «برخلاف آرزوی احمقانه اقتدار و استحکامی که سیاست‌بازان خبیث برای رژیم صهیونیستی در سر می‌پروراند، این رژیم روز به روز به اضمحلال و نابودی نزدیک‌تر شده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۷/۰۸).
- به‌زعم آمریکا، از تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی صرف‌نظر کند؛ روزنامه واشنگتن‌پست نوشته است، آنها در گذشته از تروریست‌ها حمایت کرده‌اند و در حال حاضر، جویای سلاح‌های هسته‌ای، گازهای سمی یا ابزارها و وسایل به راه انداختن جنگ‌های میکروبی هستند، یا چنین سلاح‌ها و لوازمی را به دست آورده‌اند. آنها آشکارا دشمن ایالات متحده و ارزش‌های دموکراسی و آزادی هستند (عیوضی و صیفوری، ۱۳۸۹: ص ۲۳۲).
- ایران، محور شرارت است. بوش پسر در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در سخنرانی سالیانه خود در کنگره آمریکا، ایران را به همراه چند کشور دیگر، محور شرارت خطاب کرد. او در نظر داشت تا با محور شرارت خواندن ایران، فشار همه‌جانبه‌ای علیه ایران اعمال کند و نتیجه این فشار همه‌جانبه، به تغییر رفتار ایران منجر شود.

۸. نتیجه‌گیری

ذات سیاست برای آمریکا، تقدم لیبرالیسم بر دموکراسی است، یعنی اگر کشوری دموکراتیک باشد، اما اصول لیبرالیسم را رعایت نکرده باشد، تبدیل به دشمن می‌شود و این همان دلیل‌شناسی اصلی منازعه آمریکا با ایران است؛ چراکه از منظر آمریکا، ایران، کشوری دموکراتیک و در عین حال بی‌اعتقاد به اصول لیبرالیسم است. در چنین شرایطی اگر ایران که، بر طبق دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، آمریکا را نماد سلطه‌طلبی و عامل عقب‌ماندگی ملت ایران و البته تمام ملت‌های مسلمان می‌داند، بتواند، بدون وابستگی به آمریکا و بدون دست کشیدن از اصول و دین خود، به توسعه سیاسی و اقتصادی برسد، حضور و نفوذ آمریکا در منطقه به چالش کشیده می‌شود و راهبرد ملت‌ها از حالت انفعالی به راهبرد فعالانه برای خروج از سیطره آمریکا تغییر می‌کند.

بر این اساس، هر دو جریان سیاسی دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در آمریکا در یک نقطه با هم اشتراک نظر دارند و آن اینکه تعامل و تقابل با ایران هر دو برای آمریکا هزینه دارد. قدرت ایران در عرصه نظامی باعث شده است، تا تقابل نظامی با ایران برای آمریکا بسیار پر هزینه شود، و عدم تقابل هم به ایران فرصت می‌دهد، تا بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم خود، حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا را به چالش بکشد. پس دلیل‌شناسی و مشکل‌شناسی منازعه ایران و آمریکا، ریشه در ماهیت اندیشه شناختی سیاسی دو کشور دارد که این تفاوت‌ها هم ریشه در دو نظام اندیشه‌ای دارد، که آمریکا با مبانی اومانستی و ایران با مبانی اسلامی به جهان می‌نگرند. راه‌حل عبور از این منازعه نیز، در نزدیکی افق‌های فکری دو ساختار سیاسی است که منافع متقابل برای هر دو کشور را فراهم نماید.

منابع

- آزادی، فرزاد (۱۳۹۸). *ایران و آمریکا: مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در فرایند تقابلی با ایالات متحده آمریکا*. بی‌جا: آریا دانش.
- آقامهدوی، اصغر (۱۳۹۱). *قدرت سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- آکسفورد، باری (۱۳۸۳). *نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ*. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه.
- اسپرینگز، توماس (۱۳۷۷). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: نشر آگه.
- اشرف، احمد (۱۳۹۳). *نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات گستر.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). *ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام*. دانش سیاسی، ۶(۲).
- برن، ژاک (۱۳۸۳). *سفرراط*. ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بهاری اودلو، بهنام؛ بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۹۲). *بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی*. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۳).
- بوزان، بری (۱۳۸۹). *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ*. ترجمه عبدالمجید حیدری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، جلیل و همکاران (۱۴۰۰). *تبیین ماهیت تصویر افکار عمومی آمریکا از ایران بر مبنای نظریه تصویر در روابط بین‌الملل*. *مجلس و راهبرد*، ۲۸(۱۵).
- تاثیر نگرش و باورهای دو حزب دموکرات و جمهوری خواه بر سیاست خارجی آمریکا (۱۳۹۴/۱۱/۱۹). قابل دسترس در:
<https://www.iribnews.ir/004IcV>
- تاثیر نگرش و باورهای دو حزب دموکرات و جمهوری خواه بر سیاست خارجی آمریکا (۱۳۹۴/۱۱/۱۹). *خبرگزاری صدا و سیما*.
 قابل دسترس در:
<https://www.iribnews.ir/fa/news/1024891/>
- جرجیس، فواز (۱۳۸۲). *آمریکا و اسلام سیاسی*. ترجمه محمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفرزاده بهابادی، حسین؛ خلیلی، محسن (۱۳۹۳). *بازتاب سمت‌گیری سیاست خارجی در گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله خامنه‌ای*. *سیاست خارجی*، ۲۸(۱).
- جعفری، موحد (۱۳۹۴). *رابطه ایران و آمریکا: امکان یا امتناع*. *سیاست خارجی*، ۲۹(۳).
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: سازمان انتشارات دانشگاه مفید.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۷/۰۸). *شرح حدیث اخلاق*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45918>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۸/۱۲). *سخنرانی در جمع دانشجویان استان قم*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24378>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۳/۱۴). *بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۲/۲۲). بیانات در جمع مردم کردستان. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6642>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۶/۲۶). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37687>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰/۱۱/۲۸۲۴). بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49633>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۹/۶). بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>

خداوردی، حسن (۱۳۸۸). روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خسروی، علیرضا (۱۳۹۷). رابطه متقابل هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکای دشمن. *مطالعات راهبردی*، ۲۱(۸۰).

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی، ج ۸، ۲۱، ۱۰، ۱۲.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *کشف الاسرار*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵). جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی. حضور، شماره ۵۷.

دوست محمدی، احمد؛ رجبی، محمد (۱۳۹۰). ایالات متحده در میدان مغناطیس صهیونیسم مسیحی. *سیاست*، شماره ۳.

رحمانی، محمد (۱۳۸۲). قاعده نفی سبیل از منظر فریقین. *طلوع*، شماره ۶.

رحمتی، رضا (۱۳۹۵/۰۱/۱۶). چرا آمریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران است؟ قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=32755>

رضایی جعفری، محسن؛ علی حسینی، علی؛ آقاسینی، علیرضا؛ دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). هرمنوتیک راهی بخش؛ راه
 برون‌رفت از منازعات ایران و غرب در عصر جهانی شدن. *مطالعات راهبردی*، ۲۱(۸۰).

زکریا، فرید (۱۳۸۵). *آینده آزادی*. ترجمه امیرحسین نوروزی. تهران: انتشارات طرح نو.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نقد نظری و طرح ائتلاف. *مجلس و پژوهش*، شماره ۳۵.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۴). رویارویی اسلام و لیبرالیسم در روی آوردن به دموکراسی. *راهبرد*، ۲۴(۷۵).

صلاحی، سهراب (۱۳۹۹). *ایران و آمریکا در چهل سال ۱۳۵۷-۱۳۹۷*. قم: بوستان کتاب.

طارمی، کامران (۱۳۸۲). تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*،
 شماره ۵۹.

عارفی، محمداکرم (۱۳۷۸). راهکارهای وحدت سیاسی جهان اسلام در اندیشه امام خمینی. *معرفت*، شماره ۳۱.

عباسی تبار قوی، رحمت؛ هاشمی میازکلاهی، سید محمد (۱۳۹۷). مختصات نظم موجود و مطلوب جهانی از دیدگاه آیت‌الله
 خامنه‌ای. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱(۵۲).

- علوی پور، محسن (۱۳۹۷). از فهم تا تبیین اندیشه سیاسی، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۲ (۴۳).
- علی مرادی، امان‌الله؛ گروهی، زهرا (۱۳۹۳). مبانی فقهی اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای در خصوص رابطه با آمریکا. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۹ (۲۹).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). مبانی اندیشه سیاسی اسلام. تهران: موسسه فرهنگی اندیشه.
- عیوضی، رحیم؛ صیفوری، فرزانه (۱۳۸۹). سلاح هسته‌ای و استراتژی آمریکا از منظر روزنامه واشنگتن پست در دوران خاتمی. روابط بین‌الملل، شماره ۱۲.
- فروزان، علی و همکاران (۱۳۹۸). کنش‌گری تدافعی جمهوری اسلامی ایران در قبال هژمونیسم نومحافظه‌کاران ایالات متحده. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۲ (۴۸).
- قزوینیان، جان (۱۴۰۰). ایران و آمریکا، تاریخ یک رابطه. ترجمه محسن عسکری جهقی. بی‌جا: نشر نیماژ.
- کریمی فیروزجانی، علی؛ حبیبی، سمیرا (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان دیدگاه‌های رهبران ایران و آمریکا درباره برجام. جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۹.
- کریمی، علی (۱۳۸۳). تأملی معرفت‌شناسانه در مسئله امنیت ملی از نگاه امام خمینی. مطالعات راهبردی، ۷ (۴).
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱). جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر. ترجمه کمال پولادی. تهران: انتشارات رسانه.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۲). چیستی، تحول و چشم‌انداز دولت. تهران: نشر نی.
- گوهری مقدم، ابودژ؛ کیانی مجاهد، حامد (۱۳۹۷). نفوذ گفتمانی ایالات متحده در جمهوری اسلامی بر مبنای اندیشه‌های مقام معظم رهبری. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷ (۳۴).
- مجیدی، حسن؛ امیدی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی الگوی عدالت از منظر شهید مطهری و مایکل والزر. دانش سیاسی، ۱۴ (۲).
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷). رهیافت و روش در علوم سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- موسویان، سید حسین (۱۴۰۰). ایران و ایالات متحده. تهران: کتاب پارسه.
- میرحسینی، سید محسن و همکاران (۱۳۹۷). مؤلفه‌های اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای. سیاست و روابط بین‌الملل، ۲ (۲).
- میلگرام، استانیلی (۱۳۸۱). اطاعت از تئوریت. ترجمه مهران پاینده عباس خداقلی. تهران: نشر اختران.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیل المله. ترجمه سید جواد ورعی. قم: بوستان کتاب.
- وایل، ام. جی. سی. (۱۳۸۴). سیاست و حکومت در آمریکا. ترجمه قربانعلی گنجی. تهران: نشر قومس.
- وثوقی، سعید؛ محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). قدرت نرم؛ ابزار فرهنگی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران. مهندسی فرهنگی، ۷ (۶۹).
- ودادی، ثریا؛ رسولی، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیل محتوای دیدگاه مقام معظم رهبری پیرامون ارتباط با آمریکا. مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۴۸.